

فصلنامه تخصصی علوم سیاسی

سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۰۹

تاریخ تصویب: ۱۳۹۸/۱۱/۱۵

صفحات: ۷۳ - ۱۰۰

نقش سرمایه اجتماعی در مشارکت انتخابات (مطالعه موردی: ایلام)

احمد شوهانی

استادیار دانشگاه پیام نور

نادر شوهانی*

استادیار دانشگاه پیام نور

چکیده

بیان مسأله: مفهوم و نظریه سرمایه اجتماعی طی سال‌های ۱۹۹۰ به این سو با اقبال قابل توجه اندیشمندان و محققان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی (اقتصاد، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی و...) مواجه شده است. از طرفی سرمایه اجتماعی برخلاف کشورهای توسعه یافته، در دولت‌های توسعه نیافته، خیلی جدی گرفته نشده، به ویژه نقش و تأثیرات سیاسی آن مورد غفلت بیشتری واقع شده است، این در حالیست که امروزه، سرمایه اجتماعی در مقوله توسعه بسیار مورد توجه دانشمندان و نخبگان سیاسی است.

روش تحقیق در این پژوهش توصیفی-تحلیلی است هدف اصلی این مقاله پاسخ به چرایی این مسئله و تبیین آن است. روش جمع‌آوری، تلفیقی از روش کتابخانه‌ای و میدانی است. متغیر مستقل در این تحقیق، سرمایه اجتماعی است که با سه شاخص اعتماد اجتماعی، روابط اجتماعی و انسجام اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است. متغیر وابسته در این تحقیق مشارکت انتخاباتی است که با سه شاخص انتخابات ریاست جمهوری، شورای شهر و مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار گرفته است.

یافته‌های تحقیق: سرمایه اجتماعی نقش اساسی بر شرکت مردم در انتخابات دارد و به هر میزان که بر سرمایه اجتماعی جامعه افزوده شود بر میزان مشارکت شهروندان افزوده خواهد شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که میان اعتماد اجتماعی و مشارکت انتخاباتی رابطه معناداری وجود دارد. از طرفی بین شبکه‌های روابط اجتماعی و همین‌طور بین میزان انسجام و همبستگی اجتماعی و مشارکت انتخابات آنان رابطه معناداری وجود دارد. با این اختلاف که به هر میزان شناخت انتخابات در حوزه کوچکتر برگزار گردد اعتماد و روابط بیشتر و به هر میزان این حوزه بزرگتر گردد اعتماد کمتر و مشارکت نیز کمتر است، بطوریکه میزان مشارکت در شوراهای شهر بیشتر از انتخابات مجلس و ریاست جمهوری است براساس یافته‌های تحقیق به هر میزان که از سطح خانواده به سطح خویشاوندان، همکاران، هم‌محلی‌ها، هم‌شه‌ریان و هم‌وطنان حرکت کنیم، از میزان سرمایه و اعتماد اجتماعی کاسته می‌شود.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی، مشارکت انتخابات، روابط اجتماعی

مقدمه

در آغاز موتور محرک پیشرفت جامعه، استخراج منابع طبیعی، و تراکم سرمایه مادی و در یک کلام رشد اقتصادی تشخیص داده شده و بر افزایش تولید، درآمد ملی و تسخیر بیشتر طبیعت با استفاده از ابزار علم و فناوری تاکید می‌شد. لیکن دانشمندان علوم اجتماعی با مقایسه تطبیقی کشورها و بررسی دقیق ساختار اجتماعی جوامع پیشرفته به نوع خاصی از سرمایه پی بردند که در پرتو آن، همکاری، همیاری و مشارکت افراد جهت نیل به منابع مشترک میسر می‌شود و بدان اصطلاح سرمایه اجتماعی اطلاق شد. این شکل سرمایه که از شیوه تعامل بین افراد و وجود هنجارهای مناسب همیاری و همکاری حاصل می‌شود، ریشه در اعتماد متقابل، ارزش‌های مشترک، و وجود بسترهای لازم (محیط سیاسی - اجتماعی و شبکه‌های متنوع اجتماعی) جهت مشارکت فعالانه همه آحاد جامعه دارد. مفهوم و نظریه سرمایه اجتماعی طی سال‌های ۱۹۹۰ به این سو با اقبال قابل توجه اندیشمندان و محققان رشته‌های مختلف علوم اجتماعی (اقتصاد، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و علوم سیاسی) مواجه شده است.

سرمایه اجتماعی، زاده کنش و واکنش‌های افراد می‌باشد و محصول آشنا بودن و آشنا شدن آدمیان با یکدیگر است و بر چشم داشت‌هایی استوار است، که از آشنایی جان می‌گیرد. و در اکثر مواقع با گذر زمان می‌بالد و گسترده می‌شود. استعاره مکرر به کار رفته برای معرفی سرمایه اجتماعی یعنی آن چه که می‌دانید مهم نیست، آنکه می‌شناسید مهم است. دقیقاً بر آشنایی و نتایج حاصل از آن دلالت دارد. در عین حال فرض بر آن است که آشنایی در اکثر مواقع فایده‌مند است و این فایده‌مندی نوعی منبع حاوی ارزش به شمار می‌رود که کاربرد مفهوم سرمایه در سرمایه اجتماعی را قابل دفاع می‌سازد (پیران، ۱۳۸۵: ۱۰).

یکی از لوازم برنامه‌ریزی در دنیای جدید توجه به مشارکت فعال و اثر بخش همه جانبه افراد جامعه در تمام ابعاد مختلف توسعه می‌باشد (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۵۴). به عبارت دیگر مشارکت، فرآیندی است که در برگیرنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تاثیرگذاردن بر تصمیم‌گیری درباره امور عمومی است. لازمه توسعه پایدار و همه جانبه، بسط روزافزون انگیزش و مشارکت اجتماعی-سیاسی و اقتصادی مردم در تصمیم‌گیری‌ها و تعیین خط مشی مرتبط با زندگی اجتماعی آن‌هاست. مشارکت در ابعاد گسترده، فرآیندی تعریف می‌شود که بواسطه آن فرد نقش‌هایی در حیات سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی کشورش ایفا می‌کند و جامعه را جهت میل به اهدافش یاری می‌رساند. براساس برخی دیدگاه‌ها مشارکت سیاسی بخشی از مشارکت همگانی است. مردم از این طریق بطور مستقیم یا غیرمستقیم در سیاستگذاری‌های سیاسی مشارکت می‌کنند.

از طرفی، هر نوع واحد سیاسی از قبیله تا کشور ملت یا حکومت ملی بطور طبیعی دارای

جامعه‌ای است که به رفتارها، کنش‌ها، واکنش‌ها، هنجارها و افکار خاصی تمایل نشان می‌دهد. فی‌الواقع فرهنگ رفتاری که انسان‌ها با خود، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه حمل می‌کنند، تحت تاثیر ساختارهایی است که در آن زندگی می‌کنند، ساختارسازی‌های اجتماعی و اقتصادی از سهل‌ترین و ساختارسازی‌های فرهنگی و سیاسی از دشوارترین نوع ساختارسازی‌ها هستند. (سریع القلم، ۱۳۸۷: ۱۶) مشارکت اجتماعی- سیاسی همان ایجاد سرمایه اجتماعی در جامعه است، چون بدون تحقق سرمایه اجتماعی، روابط انجمنی، هنجارها و اعتماد، پیوند و اعتماد بین فردی روابط بین گروهی، روابط با نهادها و احساس برخورداری از حمایت اجتماعی، ما شاهد تعاملات اجتماعی بین افراد جامعه نخواهیم بود، لذا میتوان گفت، مشارکت تحقق نمی‌یابد، مگر با وجود تحقق مولفه‌های سرمایه‌اجتماعی، و سرمایه‌اجتماعی تحقق نمی‌یابد، مگر با تجلی شاخص‌هایی همچون اعتماد و پیوندهای میان افراد و هم‌چنین افراد با نهادهای رسمی و غیر رسمی و باید بیان کرد سرمایه اجتماعی برخلاف سایر سرمایه‌های موجود در اجتماع فیزیکی نمی‌باشد، بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی است و این نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در دل شبکه روابط اجتماعی قرار دارد.

از مهمترین عوامل موثر در انتخابات بافت جمعیتی و محیط اجتماعی است که افراد در آن به سر می‌برند. عوامل اجتماعی در ارتباط دائم با یکدیگرند و نوع این ارتباطات می‌تواند شرکت در انتخابات را تحت تاثیر خود قرار دهد. مطالعات نشان می‌دهد که میزان مشارکت در محیط‌های شهری و روستایی با یکدیگر متفاوت است و اندازه شهر یا روستا نیز می‌تواند بر عملکرد عوامل اجتماعی موثر افتد. وریا، دنی و کیم از جمله پژوهشگرانی هستند که عامل محیط را در تحلیل‌های خود مورد توجه قرار داده‌اند و علاوه بر نوع محیط اندازه آن را نیز در بررسی مشارکت دخالت داده‌اند. براساس مطالعات انجام شده، میزان مشارکت در امور محلی و منطقه‌ای، غالباً در مناطق کوچک و روستایی بیش از مراکز شهری است. در واحدهای کوچک روستایی و محله‌های شهری که مردم از دیرباز با یکدیگر آشنایی دارند و پیوندهای اجتماعی قوی‌تر است، تمایل به مشارکت سیاسی بویژه مشارکت انتخاباتی قوی‌تر است (ایوبی، ۱۳۷۷: ۲۰۱). امروزه عقیده بر این است که هیچ جامعه‌ای بدون بسط و گسترش مشارکت به توسعه پایدار نخواهد رسید و مشارکت مردم برای توسعه و پیشرفت جوامع حیاتی است بنابراین اگر مشارکت تا این حد برای رسیدن به توسعه پایدار ارزشمند است، ضروری‌تر از آن شناخت است. ریشه‌ها و عوامل تاثیرگذار بر مشارکت کدام‌ها هستند و این که آیا عوامل فوق در همه جوامع و محیط‌ها به یکسان عمل می‌کنند، لذا اهمیت دو مقوله سرمایه اجتماعی و مشارکت در دنیای قرن بیست و یکم مورد امان نظر بسیاری از صاحب نظران و سیاستمدان قرا گرفته است و پرسش اصلی تحقیق این است که سرمایه اجتماعی چه نقشی در میزان مشارکت انتخابات

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———
داشته و خواهد داشت که این موضوع را بصورت تئوریک مورد بررسی قرار خواهیم داد. و علاوه بر آن موضوع فوق را در استان ایلام بصورت تجربی (پرسشنامه‌ای) و در قالب کار میدانی مورد آزمون قرار می‌دهیم. تجربه‌ای که طی دهه اخیر در کشور داریم، میزان مشارکت سیاسی و انتخاباتی در شهرهای کوچک بسیار بیشتر از شهرهای بزرگ بوده است و لذا این پرسش قابل طرح است که چرا برخلاف انتظار، شهرهای کوچک و روستاها در امر مشارکت انتخاباتی، گوی سبقت را از شهرنشینان ربوده‌اند. به عقیده صاحب نظران در جوامع کوچکتر و سنتی‌تر مثل ایلام، افراد هنوز محلی‌گرایی خودشان را از دست نداده‌اند و منابع اعتماد از نوع منابع دوران پیشامدرن یعنی منابعی همچون سنت - نظام‌های خویشاوندی، مذهبی و اجتماع محلی است که در این جوامع نوعی اعتماد سنتی و خاص‌گرایانه را به وجود می‌آورند که البته اعتمادی از این نوع مستلزم تعاملات چهره‌به‌چهره است که در آن افراد باید همدیگر را بشناسند، تا از رهگذر این شناخت متقابل به هم اعتماد داشته باشند.

پیشینه مفاهیم و مبانی نظری

هر چند افراد بی‌شماری در طرح و گسترش ایده سرمایه اجتماعی نقش داشته‌اند با این حال بعضی‌ها در ریشه‌یابی و کالبد شکافی موضوع به کارل مارکس برگشت می‌نمایند. با این حال توافق عمده‌ای وجود دارد که چند شخصیت مهم (پیر بوردیو، جیمز کلمن، رابرت پاتنام، فرانسیس فوکویاما) سهم بسیار مهمی در طرح مفهوم سرمایه اجتماعی داشته‌اند، هر چند این مسئله به معنای نادیده گرفتن تلاش‌های فکری دیگران نخواهد بود. از نظر بوردیو، حجم سرمایه اجتماعی مورد تملک فرد به اندازه شبکه پیوندهایی بستگی دارد که او می‌تواند به طور مؤثری آن‌ها را بسیج کند. بوردیو، ضمن تأکید بر نقش سرمایه اجتماعی خویشاوند محور، سرمایه اجتماعی را شبکه نسبتاً بادوامی از روابط کمابیش نهادینه شده توأم با شناخت و تعهدات متقابل از جمله اعتماد می‌داند که به عنوان منابعی بالقوه یا بالفعل موجبات لازم را برای تسهیل کنش‌های فردی و جمعی کنشگران فراهم می‌سازد. ایشان انواع سرمایه‌ها را قابل تبدیل به هم می‌داند به زعم ایشان، سرمایه اجتماعی در عین اینکه تحت تأثیر سایر انواع سرمایه‌هاست (فیزیکی، اقتصادی، فرهنگی) خود نیز بر کم و کیف آن‌ها تأثیر می‌گذارد (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۸: ۲۰۲-۲۰۱) رابرت پاتنام پس از انتشار مطالعه برجسته خود تحت عنوان (بولینگ تنها) تبدیل به شناخته شده‌ترین چهره سرمایه اجتماعی گردید، (جان فیلد، ۱۳۸۶: ۵۱) بطوریکه توسعه تئوری سرمایه اجتماعی بیش از هر چیز وامدار کارهای پژوهشی ایشان است (روشنفکر، ذکایی، ۱۳۸۵: ۱۱۷) پاتنام پس از کار بر روی ارتباط بین ارزش‌های اجتماعی و نگرش‌های سیاسی زیر نظر رونالد اینگلههارت، اولین مطالعه جدی خود را درباره نقش تعهد مدنی در ایجاد ثبات سیاسی

و رونق اقتصادی، براساس کار میدانی در ایتالیا انجام داد، پس از آن پاتنام به سرعت توجه خود را به امریکا مبدول داشت و بر این مسئله تأکید کرد که نزول قابل توجهی در سرمایه اجتماعی امریکا ایجاد شده و سنگ بنای دوتوکویلی دموکراسی امریکائی در حال فروپاشی است. (جان فیلد، ۱۳۸۶: ۵۳-۵۲) به عقیده ایشان سرمایه اجتماعی آن دسته از ویژگی‌های زندگی اجتماعی، شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد است که مشارکت کنندگان را قادر می‌سازد تا به شیوه‌ای مؤثرتر اهداف خود را تعقیب نمایند (همان: ۵۵) پاتنام در بحث پیرامون این مسئله که سرمایه اجتماعی دارای پیامدهای سیاسی قابل ملاحظه‌ای است، از دیگر نظریه‌پردازان معاصر خود فراتر می‌رود و چنین به نظر می‌رسد که نظریه او درباره سرمایه اجتماعی شباهت‌های مشخصی با تصورات دورکهایبی از همبستگی دارد چرا که استفاده وی از کلماتی مثل مولد بودن و اثربخشی، این مطلب را به ذهن متبادر می‌سازد که او سرمایه اجتماعی را کارکردی می‌دیده است. همانطوریکه گفته شد، مطالعات پاتنام بیشتر در ایتالیا و امریکا بوده و پس از مطالعه میدانی روی شمال و جنوب ایتالیا، در پاسخ به این سؤال که چه عواملی سنت‌های مشارکت را در شمال ایتالیا نسبت به جنوب حفظ کرده، سرمایه اجتماعی را مطرح می‌کند و لذا ایشان راه‌حل معضل همکاری را در سرمایه اجتماعی می‌دیده است. ایشان با تأکید بر اینکه سرمایه اجتماعی جامعه موجب خواهد شد تا نهادهای دموکراتیک حکومتی وظایف خود را بهتر انجام دهند، سرمایه اجتماعی را به دو بخش درون گروهی و برون گروهی تقسیم کرده و می‌گوید: سرمایه اجتماعی درون گروهی حول خانواده، دوستان صمیمی و خویشاوندان نزدیک بنا شده است. پاتنام معتقد است هر چند که سرمایه اجتماعی درون گروهی برای گذشتن از موانعی مفید است، اما سرمایه اجتماعی ارتباط دهنده، برای پیشرفت کردن ضروری است (همان: ۸۶). چنین به نظر می‌رسد که دیدگاه پاتنام براین مبنا قرار گرفته است که تنها سازمان‌های بسیار کوچک که گفتگوی اعضای آن به راحتی امکانپذیر است، می‌تواند سرمایه اجتماعی تولید کنند، چرا که چنین سازمان‌هایی به همه اعضا اجازه می‌دهند در تعیین اهداف و آرمان‌ها شرکت کنند و حس قدرت داشتن را در مقابل منفعل بودن یا مجری منفعل تصمیمات نخبگان بودن افزایش دهند. بنابراین به نظر او هرچه واحدهای شهری کوچکتر باشند احتمال بیشتری برای اعتماد و مشارکت وجود دارد، چرا که به زعم ایشان مشغله‌های زیاد و فشارهای مربوط به خانواده‌های دو شغلی و سایر مشکلات زندگی در کلان شهرها، باعث کاهش مشارکت شده است، بطوری که ایشان حریم مدنی پراکنده نشینی را خاص کلان شهرها می‌داند، زیرا برای رفتن از جایی به جای دیگر زمان زیادی را باید صرف کنند و اجبارهای زندگی پیوندهای آنان را چند پاره کرده و فردگرائی را فزونی بخشیده است.

نقش جیمز کلنن در توسعه مفهوم سرمایه اجتماعی به خصوص در دنیای انگلیسی زبان

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———

بسیار گسترده بوده است. مانند بورديو، کار کلمن به لحاظ حوزه مفهومی و روش شناختی جامع بوده ولی برخلاف بورديو، اعتقاد دارد که سرمایه اجتماعی برای فقرا هم می‌تواند مثر ثمر باشد. به نظر می‌رسد که سرمایه اجتماعی برای کلمن راه‌حلی برای یافتن دلیل همکاری افراد حتی در زمانی که سود آنی آن‌ها از طریق رقابت بهتر برآورده می‌شود، در اختیار ایشان قرار داده است و لذا سرمایه اجتماعی برای کلمن به شیوه‌ای عمل می‌کند که تا حد زیادی با نقش ((دست نامرئی)) بازار در نظریه اقتصاد کلاسیک قابل مقایسه و هماهنگ است. کلمن معتقد است، سرمایه اجتماعی در کنار منافع که برای فرد دارد می‌تواند در صورت تکرار و پایبندی اعضای گروه به تعهدات خویش، منافع جمعی را پدید آورد که برای تمامی اعضای گروه قابل استفاده باشد. (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۵۰) بنابراین کلمن، سرمایه اجتماعی را به عنوان نمونه کامل یک کالای عمومی می‌داند که توسط عده‌ای ایجاد می‌گردد ولی می‌تواند نه فقط برای کسانی که تلاش‌هایشان در بوجود آمدن آن مؤثر بوده، بلکه برای تمام کسانی که جزو یک ساختار هستند مفید واقع شود (Colman, ۱۹۸۸: ۱۳۰).

کلمن به درستی مهم‌ترین شخصی است که باعث رشد نظریه انتخاب منطقی در جامعه‌شناسی معاصر شده است، این نظریه بر این مسئله تأکید دارد که تمام رفتارها از تلاش افراد برای تعقیب سودشان سرچشمه می‌گیرد (کلمن-گامبتا- فریدمن) و لذا تعامل اجتماعی به عنوان شکلی از مبادله در نظر گرفته می‌شود که باعث ازدیاد سود میان انسان‌ها می‌شود و هم به لحاظ فردی به خیر و صلاح آنان است و هم به لحاظ جمعی منافع جامعه را بیشتر خواهد نمود. (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۵۷) فی الواقع از دید کلمن، سرمایه اجتماعی کالایی خصوصی نبوده، بلکه عمومی است که به هر میزان سرمایه اجتماعی بیشتر باشد سود آن نصیب کل جامعه شده و در پیشرفت اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن جامعه مؤثر خواهد بود و برعکس به هر میزان که سرمایه اجتماعی پایین‌تر بیاید در روند توسعه تأثیر منفی باقی خواهد گذاشت. باید گفت که از نگاه صاحب‌نظران، مبادله اجتماعی زمینه مساعدی برای ایجاد اعتماد بین شخصی فراهم می‌کند. از نظر این رهیافت، مبادله اجتماعی نوعی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود و در واقع برای مشارکت بیشتر افراد در جامعه است.

به نظر می‌رسد که کلمن در مسئله سرمایه اجتماعی، مقوله ساختارهای اجتماعی را بسیار مهم می‌داند، تا جائیکه ایشان از سقوط گمین شافت (اجتماع) یا همبستگی ابتدایی به گزلفا (جامعه) احساس نگرانی کرده و آن را مطلوب نمی‌داند (۵: porters, ۱۹۹۸).

به نظر فوکویاما، هر جامعه‌ای (مدرن/ سنتی - اقتدارگرا /دموکراتیک - فئودالی / سرمایه داری) از طریق شبکه‌های رسمی و غیررسمی ارتباطات و مبادلات بین افراد شناخته می‌شود و هر چقدر این شبکه‌ها در جامعه‌ای متراکم‌تر باشند احتمال بیشتری وجود دارد که شهروندان

بتوانند در جهت منافع متقابل همکاری کنند. (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۲۹۶) شبکه‌های مشارکت مدنی، ارتباطات را تسهیل می‌کنند و جریان اطلاعات را در مورد قابل اعتماد بودن افراد، بهبود می‌بخشند. چنین شبکه‌هایی اجازه می‌دهند که حسن شهرتها به دیگران انتقال یافته و پالایش شوند و لذا ارتباطات بیشتر (مستقیم - غیرمستقیم) بین مشارکت جویان باعث اعتماد متقابل بیشتر بین آن‌ها می‌شود و روند همکاری آن‌ها را تسهیل می‌کند. (همان: ۲۹۷) فوکویاما کارکرد اصلی سرمایه اجتماعی را تسهیل همکاری و مشارکت گروهی برای تحقق اهداف و منافع فردی و جمعی و کمک به توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌داند (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۵: ۲۰۳) برداشت.

به نظر دورکیم مبنای نظم جامعه عاملی اخلاقی است نه سیاسی یا اقتصادی. او از نظریه هابز که ترس از لویاتان را مبنای نظم جامعه می‌داند، (بشیریه، ۱۳۸۴: ۴۸) کارکردگرایان با تأکید بر مفاهیمی چون انسجام، ادغام و تعادل بر این عقیده هستند که تعادل میان حوزه ارزش‌ها (وجدان جمعی) و محیط اجتماعی (تقسیم کار) باید وجود داشته باشد. وجدان جمعی که ویژگی جوامع سنتی‌تر بوده، به نحو خیلی ساده عبارتست از مجموعه باورها و احساسات مشترک در بین حد وسط اعضای یک جامعه آرون، (۱۳۷۰: ۳۴۸). در جامعه مبتنی بر پیوندهای سنتی و مکانیکی، فرد از طریق خویشاوندی، پایبندی شدید به سنت‌ها و اطاعت محض از هنجارها و اطاعت شدید از قبیله به جامعه خود متصل می‌شوند، در حالیکه در جوامع مدرن، تقسیم کار جای وجدان جمعی را می‌گیرد و همبستگی سنتی به هم می‌خورد. فی الواقع از دیدگاه کارکردگرایان مثل اسملسر، تقسیم کار، نوسازی جامعه و تنوع ساختاری موجبات اختلال در همبستگی جوامع هستند.

آلموند و پاول اظهار نظر می‌دارند که یک سیستم، الهام بخش نوعی همبستگی بین اجزاء و نوعی مرز با محیط اطراف است. منظور از همبستگی این است که زمانی که خصوصیات یک مؤلفه متحول شود، همه مؤلفه‌های نظام به عنوان یک مجموعه تحت تأثیر قرار می‌گیرند. از نظر ایستون نظام حاوی مجموعه‌ای از کنش‌های متقابل است که از طریق آن‌ها ارزش‌ها بین بخش‌های مختلف جامعه توزیع می‌شود (سیف‌زاده، ۱۳۷۹: ۲۲۴). ایستون نظام‌های سیاسی را دارای ارتباط ساختاری با محیط از طریق نظام تابعه بازخوردی می‌داند یعنی اینکه نظام سیاسی بطور مستمر از دیگر نظام‌های اجتماعی تأثیر می‌پذیرد. حمایت‌های مردم به شکل شرکت در راهپیمائی‌های مختلف در حمایت از سیاست‌های نظام، مشارکت در انتخابات، قانون‌پذیری و... رخ خواهد نمود و تجربه نشان داده به هر میزان که شکاف دولت- ملت کمتر شود، مشارکت سیاسی بیشتر خواهد شد. در دوره اخیر به دلیل اهمیتی که مشارکت در عرصه حیات اجتماعی و مدنی پیدا کرده بخش قابل ملاحظه‌ای از اندیشه علمای سیاسی و اجتماعی را به خود معطوف

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———
داشته است. رابرت دال در کتاب معروفش تجزیه و تحلیل جدید سیاست، مشارکت سیاسی را مورد تحلیل قرار داده و عوامل تسهیل کننده ورود به مشارکت سیاسی را مطرح نموده و توانسته مدلی را برای تبیین رفتار مشارکتی طراحی نماید. رابرت دال در رابطه با اینکه چرا بسیاری در مسائل سیاسی مشارکت نمی کنند، می گوید:

۱- اگر افراد در ارزشیابی های خود متوجه شوند، پاداشی که از درگیری های سیاسی به دست می آید، از پاداش دیگر فعالیت ها ناچیزتر است، آن ها حتماً خود را کمتر درگیر می نمایند.
۲- هرگاه شخص احساس مسئولیت نکرده و حساسیت نداشته باشد. ۳- اگر فرد تصور کند، فعالیت هایش در صحنه سیاست بی اهمیت و کم تاثیر است و نمی تواند منشاء تغییرات گردد، هرگز وارد آن نمی شود. ۴- هرگاه مردم احساس کنند که بدون مداخله آن ها، نتایج اقدامات سیاسی، رضایت خاطر آن ها را تامین می کند، احتمال مشارکتشان در سیاست کم خواهد شد. ۵- هر چقدر، مشکلات وارد شدن در سیاست بیشتر باشد، احتمال مشارکت در آن کمتر خواهد شد. ۶- هرگاه شخص فکر بکند که به دلیل علم و دانش کمتر نمی تواند با ورود به سیاست به موفقیت برسد کمتر مداخله می کند (همان: ۱۳۳-۱۳۹).

اینگلهارت به رابطه میان اعتماد و مشارکت توجه کرده است. به نظر او اعتماد به یکدیگر از عوامل مؤثر در مشارکت می باشد، زیرا به واسطه اعتماد، رفتارها قابل پیش بینی می گردد و در نتیجه حوزه کنش و تصمیم گیری تقویت می گردد، آنچنان که الموند و وربا در طرح مباحث فرهنگ مدنی، اعتماد را از لوازم فرهنگ دمکراتیک دانسته اند (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۳).

وبا-دنی وکیم، از جمله پژوهشگرانی هستند که عامل محیط را در تحلیل های خود مورد توجه قرار داده اند و علاوه بر نوع محیط، اندازه آن را نیز در بررسی مشارکت سیاسی دخالت داده اند. براساس مطالعات انجام شده، میزان مشارکت سیاسی در امور محلی و منطقه ای غالباً در مناطق کوچک و روستایی و شهرهای کوچک بیش از شهرهای پرجمعیت و کلان شهرهاست. در واحدهای کوچک روستایی و محله های شهری که مردم از دیرباز با یکدیگر آشنایی دارند و پیوندهای اجتماعی قویتر است، تمایل به مشارکت سیاسی به ویژه مشارکت انتخاباتی قویتر است. دنی این فرضیه را در کشور فرانسه مورد آزمون قرار داده و به اثبات رسانده است. براساس تحقیقات انجام شده توسط نامبرده تمایل به مشارکت در این کشور از ۹ درصد در شهرهای بزرگ به ۱۳ درصد در شهرهای متوسط و ۱۷ درصد در شهرهای کوچک و ۲۰ درصد در روستاها افزایش یافته است (علیخانی، ۱۳۷۷: ۲۰۱). فی الواقع انسان ها در نظام کنش و واکنش خود، به شدت تحت تأثیر ساختارهایی هستند که بدان عادت کرده اند، انسان ها خود را به شدت با محیط زندگی و ساختارهای ناشی از آن وفق می دهند، هر چند ممکن است این انطباق با اراده و علاقه نباشد، اما در هر صورت انسان ها به طور عمده با انطباق بقاء می یابند. شکلی نیست که سرمایه

اجتماعی در خارج از بخش دولتی به وجود می‌آید، یعنی از طریق فرآیندی خودانگیخته و لذا با وجود تغییراتی که در ساختار خانواده ایجاد شده، خویشاوندی بعنوان قویترین شکل ارتباط اجتماعی در جوامع معاصر باقی خواهد ماند. از طرفی اهمیت خویشاوندی در مقایسه با دیگر ساختارهای اجتماعی از یک جامعه به جامعه دیگر به میزان زیادی فرق می‌کند. یکی از مهمترین مؤلفه‌های مشارکت سیاسی، آنطوری که صاحب‌نظران می‌گویند، مشارکت انتخاباتی است که برخلاف بسیاری از مفاهیم ارزشی و کیفی، می‌توان آن را به زبان آمار بیان کرد. تجربه‌ای که در ۳۰ سال گذشته داریم، معمولاً درصد مشارکت کنندگان در مسائل سیاسی به ویژه انتخابات در استان‌های حاشیه‌ای مثل ایلام بالاتر از میزان کشوری بوده است. فی الواقع مشارکت بالای سیاسی مناطقی مثل ایلام به دلیل میانگین بالای باسوادی یا شهرنشینی و یا تحرک اجتماعی بیشتر و یا فعالیت بیشتر احزاب در قیاس با میانگین کشوری آن نبوده است و از طرفی برخلاف تصور عده‌ای به خاطر ترس از حکومت و یا ابراز وفاداری رعیت منشانه هم نمی‌تواند باشد، چه بسا درصدی این طوری باشند ولی لزوماً اینگونه نیست که تمامی مردم به خاطر ترس، چاپلوسی، تملق و... در مسائل سیاسی مشارکت کنند. همانطوری که قبلاً به نقل از رابرت دال هم آمد، مشارکت به عنوان یک رفتار، زمانی تکرار و تقویت می‌شود که فرد مشارکت‌کننده از محل آن پاداشی دریافت دارد. این پاداش می‌تواند منابع مادی مثل پول و یا غیرمادی مانند منزلت اجتماعی باشد و لذا فرد مشارکت‌جو در صورت منتفع شدن در آینده همان رفتار را تکرار خواهد کرد. هر چند میزان شهرنشینی، گسترش مدرنیسم، بالارفتن سواد و... همچون اکثر مناطق کشور در ایلام هم توسعه پیدا کرده، ولی با این حال برخلاف استان‌های برخوردار، و نظام ایلی و قبیله‌ای و بویژه تفکرات ایلی و قبیله‌ای و رسومات ناشی از آن باقی مانده و به شدت بر نظام سیاسی و اجتماعی ایلام حاکم است که بیشترین نمود و تجلی آن را در فصل انتخابات محلی شاهد هستیم. به ضرس قاطع می‌توان گفت اکثریت مردم استان، خودشان را منتسب به یکی از قبایل بزرگ استان می‌دانند و هر چند نظام ایلی و قبیله‌ای به لحاظ شکلی دچار تغییرات عمده‌ای شده ولی با این حال تفکرات ایلی و قبیله‌ای همچنان بر فضای سیاسی - اجتماعی استان حاکم است و برخلاف گذشته که کار ویژه نظام ایلی ایجاد امنیت برای افراد بود، امروزه هر چند این ویژه‌ای کم رنگ‌تر شده، ولی می‌تواند برای افراد مزایای مالی، اجتماعی و سیاسی در پی داشته باشد که همین مسئله یکی از عواملی است که افراد را به پای صندوق‌های رأی برای پیروزی کاندیدهای موردنظر از ایلی و قبیله‌شان وادار می‌کند و باعث افزایش بالای مشارکت سیاسی شده است. در ضمن رقابت میان ایلات و قبایل، امروزه چهره عوض کرده و به جای شمشیر و اسلحه کشیدن بر روی همدیگر، در مبارزات سیاسی نمود پیدا کرده و می‌کند و لذا تعصبات قومی و قبیله‌ای از عوامل بسیار تأثیرگذار در

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———

مقوله مشارکت سیاسی مردم بوده و خواهد بود و معمولاً هر ایل و قبیله‌ای در موقع انتخابات حداقل یک کاندیدا خواهند داشت. کاندیداها هم با انگشت گذاشتن و تحریک احساسات قومی و قبیله‌ای، وعده‌های رنگارنگ، افراد را به پای صندوق‌ها می‌کشاند تا جاییکه روز رأی حتی پیرمردها و پیرزن‌های ناتوان هم در این مبارزه سیاسی سهیم خواهند شد. جدای از خوب و بد بودن چنین مسائلی به هر حال از انگیزه‌های مهم مردم برای حضور در صحنه‌های سیاسی بوده است و مردم هم به خوبی می‌دانند و تجربه ۳۰ سال گذشته هم کاملاً گویاست که به محض پیروزی کاندیدای موردنظر، بیشترین امتیازات را نصیب خویشاوندان و بستگان نسبی و سببی خود خواهند کرد و لذا در فضای سیاسی- اجتماعی استان ایلام، احزاب معمولاً در قامت ایل ظاهر شده‌اند تا جایی که بسیاری از رهبران محلی احزاب برای کاستن از فشارهای قومی مجبور می‌شوند هم‌رنگ با قوم و قبیله و در کنار آنان عمل نمایند و اگر غیر از این بکنند معمولاً جایگاه و منزلت خودشان را در میان خویشاوندان از دست خواهند داد و نکته پایانی هم اینکه در استان ایلام، قاطبه مردم همدیگر را می‌شناسند و یا حداقل بزرگان را می‌شناسند و معمولاً در ماه‌های منتهی به انتخابات، کاندیداها مجبورند چهره به چهره و خانه به خانه سراغ افراد سرشناس به ویژه ریش سفیدان و بزرگان قوم و متنفذین رفته، و همین رویه باعث شده در انتخابات ۳۰ سال گذشته، بعضاً شایستگان پیروز میدان نباشند، برعکس کسانی در انتخابات مجلس و یا شورای شهر و روستا موفق شده‌اند که قبیله بزرگتر به لحاظ جمعیتی داشته و توانسته‌اند تعصبات قومی را شعله‌ورتر کنند و در کل رقابت میان کاندیداها از قبایل مختلف باعث حضور حداکثری مردم شده و خواهد شد.

مفهوم سرمایه اجتماعی

منظور از سرمایه اجتماعی انسجام درونی فرهنگی و اجتماعی جامعه، هنجارها و ارزش‌های حاکم بر تعاملات فنی مابین مردم و نهادهایی است که این هنجارها و ارزش‌ها، در آن جریان می‌یابد. سرمایه اجتماعی به منزله چسبی است که انسجام جوامع را تضمین می‌کند و بدون آن هیچ رشد اقتصادی یا بهزیستی انسانی میسر نمی‌شود (شوهانی، ۱۳۸۸: ۶۷). سرمایه اجتماعی اصطلاحی است که کاربرد آن هر روز در حال افزایش است؛ اما این مفهوم دارای چهارچوب و تعریف مشخصی نیست. علت اصلی تغییر تکثر تعاریف سرمایه اجتماعی ناشی از این امر است که ماهیت این مفهوم به گونه‌ای است. به همین دلیل توافقی در مورد تعریف سرمایه اجتماعی وجود ندارد، و تعاریف خاص مورد تأیید هر پژوهشگری به ذهنیت و سطح کار پژوهشی او بستگی دارد. برخی از تعاریف موجود از سرمایه اجتماعی در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱): برخی از تعاریف موجود از سرمایه اجتماعی

هدف	اندیشمندان	تعاریف سرمایه اجتماعی
حفظ سرمایه اقتصادی	بورديو	حاصل جمع منابع اجتماعی ای که تحت شرایط معینی قابل تغییر است (Bourdieu, ۲۴۳).
حفظ سرمایه اجتماعی	پورت	توانایی بازیگران برای تأمین منافع توسط عضویت در شبکه‌های اجتماعی (Portes, ۱۹۹۸: ۱-۲۵).
حفظ روابط موثر	فوکویاما	توانایی افراد برای همکاری با یکدیگر در درون گروه‌ها و سازمان‌ها به منظور رسیدن به اهداف مشترک (Fukuyama, ۱۹۹۵: ۱۰).
حفظ اقتصاد	پوتنام	ویژگی‌هایی که همکاری افراد برای رسیدن به منافع متقابل را تسهیل می‌بخشد (Putnam, ۱۹۹۵: ۱۵-۷۸).

به نظر می‌رسد یکی از عوامل مهمی که بر روی مشارکت سیاسی تأثیر می‌گذارد، سرمایه اجتماعی است. بخش عمده‌ای از پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه نشان می‌دهد نوعی همبستگی مثبت میان این دو پدیده وجود دارد. سرمایه اجتماعی ضمن تعدیل روابط به بهبود انسجام، همبستگی و حس اطمینان در جامعه کمک می‌کند و موجب مشارکت سیاسی نیروهای انسانی و حفظ روابط متقابل آنها با دولت می‌شود (Pattie, ۲۰۰۳: ۴۴۳).

مفهوم مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی یکی از شاخص‌های توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی و توسعه سیاسی در کشورها به شمار می‌رود و از مصادیق حضور مردم در تعیین سرنوشت خود است. از مؤثرترین راه‌های رسیدن به توسعه واقعی و بادوام، همان جلب مشارکت مردم در فرآیند توسعه از مرحله تصمیم‌گیری تا اجراست (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۵۴). مشارکت سیاسی پدیده‌ای پیچیده و دارای ابعاد متعدد است که ارتباط میان جامعه مدنی و جامعه سیاسی را عملی می‌سازد. بنا به تعریفی، شرکت در فرآیندهای سیاسی که به گزینش رهبران سیاسی می‌انجامد و سیاست عمومی را تعیین می‌کند و یا بر آن اثر می‌گذارد، مشارکت سیاسی نامیده می‌شود. (ترنر، ۱۳۶۷: ۲۸۶). به بیانی دیگر، فعالیت اجتماعی داوطلبانه افراد یک جامعه که افراد در آن احساس می‌کنند مستقیم یا غیرمستقیم در سیاست‌گذاری‌های عمومی و یا انتخاب رهبران مشارکت دارند، ذیل مفهوم مشارکت سیاسی در نظر گرفته می‌شود (H. maccllosky, ۱۹۶۸: ۲۴۹).

انتخابات و مشارکت مردم

شرکت در انتخابات عام‌ترین، سهل‌ترین و کم هزینه‌ترین نوع مشارکت سیاسی است و یکی از معیارهای مناسب برای کشف میزان مشارکت سیاسی مردم و لو به شکل کمی آن می‌باشد و تا حدودی انگیزه‌ها و عوامل تشدید کننده مشارکت، همچنین موانع مشارکت مردم را در عرصه فعالیت‌های سیاسی نشان می‌دهد یکی از مشخصات انتخابات، خصلت «گزینشی» آن است. یعنی هم نامزدی انتخابات (البته در چارچوب قوانین) آزاد است و هم رای دهنده می‌تواند از میان نامزدهای مختلف اعلام شده، آزادانه آن‌هایی را که تمایل دارد، برگزیند. در مورد ماهیت رای، دو نظریه را می‌توان ذکر کرد. دسته‌ای رای دادن را حق افراد می‌دانند و دسته دیگر آن را یک عمل اجتماعی و یک تکلیف برای افراد اجتماع می‌دانند. نظریه اول مبتنی بر نظریه «حاکمیت تقسیم شده» می‌باشد. توضیح آنکه اگر حاکمیت مردم، ماحصل جمع سهام حاکمیت هر شهروند باشد پس صاحب سهم حاکمیت یعنی شهروند حق دارد که سازماندهی حکومت و صورت‌بندی اقتدار عالی سیاسی همکاری و مشارکت کند. اگر این همکاری و این مشارکت از راه انتخابات تحقق یابد پس هر شهروند حق دارد رای بدهد و هیچ مقامی نباید بتوان این حق را از او بگیرد. از سوی دیگر چون رای دادن حقی است متعلق به فرد، لذا وی مخیر است از آن استفاده کند یا خیر.

نظریه دوم ناشی از اندیشه «حاکمیت ملی» است. ملت کلیتی است تقسیم‌ناپذیر و حاکمیت متعلق به این کلیت یعنی ملت است نه شهروندانی که جزو عوامل سازنده آن هستند. اگر قدرت انتخاب کردن به یکایک شهروندان سپرده شده باشد نه از باب این است که خود اصالتاً صاحب این حق هستند بلکه با انجام یک عمل در گزینش کارگزاران حکومتی شرکت می‌جویند. شهروندان با رای دادن در واقع وظیفه اجتماعی خود را انجام می‌دهند. بنابراین اگر منافع جامعه ایجاب کند می‌توان رای دادن را به عنوان تکلیف صرف اجتماعی الزامی سازد و امتناع از آن را ممنوع نموده و حتی مجازات نماید.

به نظر می‌رسد نظریه‌ای که در برگرفته هر دو نظریه باشد قابلیت کاربرد بیشتری داشته باشد. در این میان نظریه‌ای که با اصل آزادی انسان‌ها در تعیین سرنوشت خود و نیز مسئولیت اجتماعی سازگاری بیشتری دارد، نظریه‌ای است که رای دادن را هم حق و هم تکلیف افراد جامعه می‌داند. یکی از نمودهای مشارکت سیاسی در جوامع امروزی و بالاخص در کشور ما شرکت در انتخابات و تعیین سرنوشت خویش در حوزه‌های سیاسی مختلف می‌باشد بنابراین مشارکت شهروندان در انتخابات (ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر و روستا) در این پژوهش مورد بررسی و مقایسه در شهر ایلام قرار گرفته‌اند.

جدول (۲): ابعاد متفاوت مشارکت سیاسی

نوع دیدگاه	مفاهیم
بعد روانی و ذهنی	با توجه به تفاوت شخصیت و روان انسان علاقه‌مندی به مشارکت نیز متفاوت است.
وجود احزاب	وجود علم و وجود احزاب میزان مشارکت سیاسی را تغییر می‌دهد.
رشد فرهنگی	تغییر از جامعه سنتی به جامعه مدرن باعث افزایش مشارکت سیاسی می‌شود.

(محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۵۴)

اهداف پژوهش

اندازه‌گیری میزان سرمایه اجتماعی و میزان مشارکت انتخاباتی و ابعاد آن در میان پاسخ‌گویان بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت انتخاباتی.

فرضیه تحقیق

بین سرمایه اجتماعی و مشارکت انتخابات رابطه وجود دارد

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، براساس موردی واز سنخ توصیفی - تحلیلی و ضریب همبستگی اجرا شده است و مبتنی بر پیمایش است. توصیفی بدان جهت که به بررسی وضعیت متغیرهای دستکاری نشده می‌پردازد و و پیمایشی است چون متکی به ابزارهای پرسشنامه و گردآوری داده‌ها و تعمیم یافته‌ها به جامعه آماری است. جامعه آماری تحقیق شامل ساکنان شهر ایلام می‌باشد متغیر مستقل این پژوهش سرمایه اجتماعی است که با سه شاخص اعتماد اجتماعی، شبکه‌ها و روابط اجتماعی و انسجام اجتماعی مورد سنجش قرار گرفته است. متغیر وابسته در این تحقیق مشارکت انتخابات است که برای ساختن مقیاس اندازه‌گیری آن از مقیاس چاپین (میلر، ۱۳۸۰: ۲۲) استفاده شده است.

حجم نمونه با توجه به فرمول کوکران ۳۸۱ نفر برآورد شده است که از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی ساده استفاده شده است. اعتبار ابزار سنجش با استفاده از اعتبار محتوایی از نوع صوری و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ سرمایه اجتماعی ۰/۸۷ و مشارکت انتخابات (۰/۷۷) مورد تایید قرار گرفته است. داده‌های جمع‌آوری شده از پرسشنامه، با استفاده از نرم افزار SPSS روش‌های آماری از قبیل تحلیل همبستگی پیرسون، تحلیل میانگین و

♦ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———
 آزمون ناپارامتری کروسکال والیس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

جدول (۳): گویه‌های متغیرهای پژوهش

مفهوم	مؤلفه‌ها	گویه‌ها
سرمایه اجتماعی	اعتماد اجتماعی	اعتماد به اعضای خانواده، خویشاوندان، همسایگان، دوستان، هم محله‌ای‌ها، هم‌شهری‌ها
		اعتماد به نمایندگان مجلس، اعتماد به اعضای شورای شهر. اعتماد به رانندگان تاکسی و اتوبوس، اعتماد به بازاریان، اعتماد به پزشکان
	انسجام اجتماعی	علاقه به خانواده، دوستان، خویشاوندگان، قوم و شهر و احساس تعلق به خانواده، قوم و شهر
مشارکت انتخاباتی	شبکه روابط اجتماعی	احساس نزدیکی به بستگان و فامیل و دوستان، نزدیکی به همکاران، انجمن‌ها و تشکل‌ها و همسایگان، احساس نزدیکی به هم محله‌ای‌ها
	مشارکت انتخابات	مشارکت در انتخابات شورای شهر، و مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری

(نگارندگان، ۱۳۹۷)

الف - اعتماد اجتماعی، مشارکت انتخاباتی

یکی از اساسی‌ترین عناصر تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی است. اعتماد هم به لحاظ مفهومی و هم به لحاظ تجربی دارای ارتباط نزدیکی با سرمایه اجتماعی است (جان فیلد، ۱۰۷:۸۶) که خیلی‌ها آن را درونمایه سرمایه اجتماعی می‌دانند. بررسی منابع و مأخذ مربوطه نشان می‌دهد که این مفهوم از دیدگاه‌های مختلف روانشناسی، جامعه‌شناسی، سیاسی، معرفت‌شناختی و ... پرداخته شده است. برخی، اعتماد را از جنبه خرد (روانشناسان) و برخی از جنبه کلان (جامعه‌شناسان) مورد توجه قرار داده‌اند. البته عده‌ای هم دیدگاه ترکیبی را مورد توجه خویش قرار داده‌اند (گیدنز - لومان) فردیناند تونیس معتقد است که روابط مبتنی بر اعتماد تنها در اجتماع وجود دارد چراکه یک فرد به خانواده، خویشاوندان و دوستانش اعتماد می‌ورزد، چون که احساس او براساس مشابهت‌ها، فهم و تأیید متقابل است. فوکویاما، اعتماد را به عنوان ویژگی بنیادین سرمایه اجتماعی تعریف کرده و بر این عقیده است که اعتماد به کاهش هزینه‌ها و افزایش نتایج منجر می‌شود و لذا هر چه اعتماد افزایش یابد، روایی و ثمربخشی رفتارها بیشتر می‌شود (fukuyama, ۱۹۹۵:۲۵). تا جایی که اندیشه‌گران پیرو فوکویاما مایل به تقلیل تمام ابعاد سرمایه اجتماعی به اعتماد هستند. مثلاً اریک اوسلانر می‌گوید: اعتماد پایه اصلی نظم

اجتماعی است و اجتماعات به اعتماد متقابل وابسته‌اند. به اعتقاد پاتنام، اعتماد همکاری را تسهیل می‌کند و هر چه سطح اعتماد در جامعه‌ای بالاتر باشد، احتمال همکاری هم بیشتر خواهد بود و خود همکاری نیز اعتماد ایجاد می‌کند (Putnam, ۲۰۰۰: ۶۵). بنابراین اعتماد که یکی از عناصر ضروری تقویت همکاری است یک عنصر غیر اختیاری و ناآگاهانه نمی‌باشد، لذا اعتماد مستلزم پیش‌بینی رفتار یک بازیگر مستقل است. شما برای انجام کاری صرفاً به این دلیل که فردی یا نهادی می‌گوید آن را انجام خواهد داد به او اعتماد نمی‌کنید، بلکه شما تنها به این دلیل به او اعتماد می‌کنید که با توجه به شناختتان از خلق و خوی او، انتخاب‌های ممکن او و توانایی او، حدس می‌زنید که او انجام این کار را بر خواهد گزید. در جوامع کوچک و به هم پیوسته این پیش‌بینی براساس چیزی انجام می‌شود که برنارد و ویلیامز آن را اعتماد صمیمانه می‌نامند، یعنی اعتمادی که به آشنایی نزدیک با این فرد بستگی دارد. اما در جوامع بزرگتر و پیچیده‌تر، یک اعتماد غیرشخصی‌تر یا شکل غیرمستقیمی از اعتماد ضرورت دارد. (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۲) اینگلهارت، رابطه میان اعتماد و مشارکت را مورد توجه قرار داده چرا که از نظر او اعتماد به یکدیگر از عوامل مؤثر بر مشارکت است زیرا به واسطه اعتماد، رفتارها قابل پیش‌بینی می‌گردد و در نتیجه حوزه کنش و تصمیم‌گیری تقویت می‌شود (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴: ۷۳) به عقیده او، حسن اعتماد، ضامن دموکراسی و اعتماد به یکدیگر شرط تشکیل روابط ثانوی است که به نوبه خود برای مشارکت در هر دموکراسی لازم است. کمبود اعتماد اجتماعی در یک جامعه باعث می‌شود تا افراد کمتر با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و سطح مشارکت اجتماعی کاهش یابد. در این حالت، هزینه مبادله اطلاعات و انجام فعالیت‌ها افزایش می‌یابد و فرآیندهای اجتماعی برای به نتیجه رسیدن به ناچار مسیری طولانی‌تر را باید طی کند. (هانتینگتون، ۱۳۷۹: ۴۷). بر طبق نظریه گیدنز شاید بتوان گفت در جامعه شهری ایلام، منابع اعتماد همان منابع دوران پیش از مدرن یعنی منابعی همچون سنت، نظام‌های خویشاوندی، سنت و اجتماع محلی است که در جوامع سنتی و پیشامدرن نوعی اعتماد سنتی و خاص گرایانه را بوجود می‌آورند، اعتمادی از این نوع مستلزم تعاملات چهره به چهره است که در آن افراد باید همدیگر را بشناسند، تا از رهگذر این شناخت متقابل به هم اعتماد داشته باشند. بر همین اساس در جامعه شهری ایلام، افراد هنوز به اهمیت و ارزش سنت‌ها اعتماد و اعتقاد دارند. نظام‌های خویشاوندی و شبکه‌های ارتباطی از نوع محدود و درون گروهی، الگوی بسیاری از افراد را تعیین می‌کند، مذهب در لایه‌های درونی جامعه رسوخ کرده و هنوز هم به عنوان یکی از منابع مهم اعتماد افراد محسوب می‌شود و آن نوع اعتمادی که گیدنز تحت عنوان اعتماد به نظام‌های انتزاعی مشخص می‌کند در جامعه شهری ایلام، به نسبت خیلی کمی وجود دارد.

ب- شبکه‌های اجتماعی و مشارکت انتخاباتی

از آن جایی که انسان‌ها از طریق روابطی که با یکدیگر برقرار می‌سازند، سعی دارند تا نیازمندی‌های خود را تامین و اهداف مورد نظر را محقق نمایند، پدیده‌ای به نام جامعه تشکیل می‌گیرد. برقراری رابطه میان افراد باعث می‌شود تا اطلاعات بین افراد مبادله شود و افراد جامعه در قالب شبکه‌های مختلف اجتماعی از قبیل همسایگان، دوستان، شبکه‌های خویشاوندی، خانواده و ... به تعریف و تحقق منافع جمعی اقدام کنند و با مشارکت فعالانه در اجتماع سعی در بهبود کیفیت زندگی فردی و جمعی خود نمایند، هرچه این روابط از استحکام بیشتر و از کیفیت و کمیت بالاتری برخوردار بوده و نظام‌مندتر و هماهنگ‌تر عمل نماید، ما شاهد دستیابی به اهداف جمعی در مدت زمانی کوتاه‌تر و با صرف هزینه‌های کمتر خواهیم بود، در این حالت ما می‌توانیم از سرمایه اجتماعی صحبت به میان آوریم که ترکیب ویژه روابط اجتماعی و نیز کیفیت این روابط است (قاسمی و همکاران ۱۳۸۵: ۲۲۸) ایده اهمیت شبکه‌های اجتماعی، ایده جدیدی نیست. یک مثل انگلیسی قدیمی می‌گوید: آنچه می‌دانید مهم نیست بلکه آنچه می‌شناسید مهم است. شبکه‌های مشارکت مدنی یکی از اجزای ضروری سرمایه اجتماعی می‌باشند و هر چه این شبکه‌ها در جامعه مترکّم باشند احتمال همکاری شهروندان در جهت منافع متقابل بیشتر است (ازکیا و فیروز آبادی، ۱۳۸۳: ۵۲). هر فردی دارای شبکه‌های اجتماعی است که این شبکه‌ها می‌تواند حاوی انواع رابطه، نظیر دوستی یا پیوندهای عاطفی، نزدیکی در فضا مانند همسایگی یا مجاورت مکانی در اداره، روابط خویشاوندی و نظایر آن‌ها باشد. جدای از پیوندهای غیررسمی با دیگران فرد می‌تواند از طریق عضویت رسمی در انجمن‌ها و گروه‌های مختلف با دیگران در ارتباط باشد. پاتنام در تحقیق خود در جامعه امریکا اشاره می‌کند کسانی که به شبکه غیررسمی بیشتری تعلق دارند بیشتر مایلند که وقت و پول خود را به انجام دادن کارهای داوطلبانه اختصاص دهند (قانع‌ی راد، ۱۳۸۴: ۱۰۵).

ج- انسجام اجتماعی و مشارکت انتخاباتی

فی الواقع همکاری داوطلبانه در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی عظیمی را در شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی به ارث برده، بهتر صورت می‌گیرد. هر فردی که در نظام معامله متقابل عمل می‌کند، معمولاً ترکیبی از دو انگیزه را داراست. اول: نوع دوستی کوتاه مدت و دوم: حفظ منافع خود در بلند مدت. من اکنون به شما کمک می‌کنم، به طور منسجم، نامشخص و بی حساب، با این انتظار که شما فردا به من کمک خواهید نمود. شکی نیست، درجه بالایی از میزان همبستگی ملی در هر کشوری، به منزله پایین بودن شکاف‌ها و

تضادهای درونی در آن کشور خواهد بود و برعکس، نبود همبستگی به صورت انشقاق و تضادهای مختلف نمایان خواهد شد. یافته‌های تحقیق گویای میزان نسبتاً بالای همبستگی در استان می‌باشد؛ که البته همبستگی موجود بیشتر درون گروهی و درون قومی است که بویژه در مواقع نیاز، بیشتر خودنمایی می‌کند. می‌توان گفت که همبستگی و انسجامی که در میان مردم و قبایل استان وجود دارد، تشابهات زیادی با همبستگی موردنظر دورکیم (تقسیم کار اجتماعی) ماکس وبر (کنش‌های اجتماعی) فردیناند تونیس (اجتماع - جامعه) رد فیلد (جامعه فولک) پارسونز (جوامع سنتی - مدرن) دارد. البته نمی‌توان به ضرس قاطع وضعیت اجتماعی موجود در استان را کاملاً با وضعیت سنتی مورد نظر این دانشمندان یکی دانست، ولی همانطوری که گفته شد شباهت‌های زیادی میان آنان وجود دارد. اگر بخواهیم جایگاه استان را میان نظام سنتی و مدرن مشخص نماییم، ایلام نه کاملاً سنتی و نه کاملاً مدرن، بلکه در حال گذر و البته بیشتر به نظام سنتی نزدیک است. هر چند شهرهای زیادی تشکیل شده و ظاهراً در نظام شهری، آداب و رسوم و نوع رفتار و ... نظام سنتی کم رنگ شده است، ولی با این حال هنوز تفکرات نظام سنتی و قبیله‌ای قدیم نه تنها از بین نرفته، بلکه برعکس در مواقعی را مثل انتخابات بسیار پرفروغ ظاهر می‌شود، بسیاری از کاندیداهای ایلی با تحریک احساسات و عواطف، نوعی همبستگی درون قبیله‌ای برای پیروزی بر رقبا به وجود می‌آورند. همانطوری که ذکر شد، سایر قبایل هم یک چنین وضعیتی به وجود می‌آورند و به همین خاطر شاهد حضور و مشارکت حداکثری مردم در انتخابات بوده‌ایم. بسیاری از پاسخگویان ما، رقابت‌های قومی و قبیله‌ای را از علت‌های مهم مشارکت انتخاباتی بالای مردم استان ذکر نموده‌اند. یافته‌های تحقیق نشانگر همبستگی درون قبیله‌ای بالا در استان است و هر چه از سطح خانواده به سمت محله - شهر - استان - منطقه و کشور حرکت کنیم از میزان همبستگی کاسته می‌شود.

اوضاع سیاسی - اجتماعی محدوده مورد مطالعه

در سال ۱۳۹۵، شهر ایلام با جمعیتی معادل ۱۵۲۸۹۵ نفر بیش از ۲۷ درصد از کل جمعیت استان را به خود اختصاص داده که این نشان‌گر اهمیت آن به عنوان مهمترین نقطه شهری استان بوده است (معاونت برنامه‌ریزی استانداری، ۱۳۸۸: ۵۵). در استان ایلام جمعیت کم شهرها و روستاهای استان باعث شده تا میزان ارتباطات بویژه ارتباطات چهره به چهره میان مردم در حد نسبتاً بالایی در قیاس با کلان شهرها باشد و همین امر باعث شده تا در میان مردم نوعی اعتماد سنتی شکل بگیرد در ایلام چندین قبیله‌ی بزرگ وجود دارد که از گذشته تاکنون تکیه گاه بسیاری از افراد هم ایلی بوده‌اند، بطوریکه تعصبات ایلی باعث شده تا در غم‌ها و شادی‌ها در کنار همدیگر قرار بگیرند و بویژه در موقع نیاز یار و یاور هم باشند و همدیگر را تنها نگذارند تا

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———

جائی که اگر برای یکی از افراد قبیله مشکلی پیش آید، همه به حمایت از او برمی‌خیزند. بدیهی است در چارچوب یک ایل، آنچه ایجاد تعهد، مسئولیت و حتی وظیفه می‌کند و کنش‌های جمعی را شکل می‌دهد، رابطه خویشاوندی است. وقتی فردی از یک ایل به موقعیت اجتماعی و سیاسی خاصی برسد، بیشتر نقش‌ها، مشاغل و امتیازات مورد نظرش را به اعضای ایل و طایفه خویش واگذار می‌کند و با یک چنین اقدامی هم قبیله قدرتمند می‌شود و هم فرد صاحب منصب به پشتوانه محکم‌تری دست پیدا می‌کند. ایلام از جمله استان‌هایی بوده که در سه دهه اخیر از مشارکت سیاسی بالائی برخوردار بوده است. یافته‌های تحقیق گویای میزان نسبتاً بالای همبستگی در استان می‌باشد؛ که البته همبستگی موجود بیشتر درون گروهی و درون قومی است که بویژه در مواقع نیاز، بیشتر خودنمائی می‌کند. می‌توان گفت که همبستگی و انسجامی که در میان مردم و قبایل استان وجود دارد، تشابهات زیادی با همبستگی موردنظر دورکیم (تقسیم کار اجتماعی) ماکس وبر (کنش‌های اجتماعی) فردیناند تونیس (اجتماع - جامعه) رد فیلد (جامعه فولک) پارسونز (جوامع سنتی - مدرن) دارد. البته نمی‌توان به ضرس قاطع وضعیت اجتماعی موجود در استان را کاملاً با وضعیت سنتی موردنظر این دانشمندان یکی دانست، ولی همانطوری که گفته شد شباهت‌های زیادی میان آنان وجود دارد. اگر بخواهیم جایگاه استان را میان نظام سنتی و مدرن مشخص نمائیم، ایلام نه کاملاً سنتی و نه کاملاً مدرن، بلکه در حال گذر و البته بیشتر به نظام سنتی نزدیک است. هر چند شهرهای زیادی تشکیل شده و ظاهراً در نظام شهری، آداب و رسوم و نوع رفتار و ... نظام سنتی کم رنگ شده است، ولی با این حال هنوز تفکرات نظام سنتی و قبیله‌ای قدیم نه تنها از بین نرفته، بلکه بر عکس در مواقعی را مثل انتخابات بسیار پرفروغ ظاهر می‌شود، بسیاری از کاندیداهای ایلی با تحریک احساسات و عواطف، نوعی همبستگی درون قبیله‌ای برای پیروزی بر رقبا به وجود می‌آورند. همانطوری که ذکر شد، سایر قبایل هم یک چنین وضعیتی به وجود می‌آورند و به همین خاطر شاهد حضور و مشارکت حداکثری مردم در انتخابات بوده‌ایم. بسیاری از پاسخگویان ما، رقابت‌های قومی و قبیله‌ای را از علت‌های مهم مشارکت انتخاباتی بالای مردم استان ذکر نموده‌اند. یافته‌های تحقیق نشانگر همبستگی درون قبیله‌ای بالا در استان است و هر چه از سطح خانواده به سمت محله - شهر - استان - منطقه و کشور حرکت کنیم از میزان همبستگی کاسته می‌شود.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش در دو قسمت توصیفی و تحلیلی ارائه می‌گردد ابتدا یافته‌های توصیفی ارائه می‌گردد.

جدول (۴): میانگین و انحراف استاندارد هر کدام از شرکت کنندگان در مولفه‌های سرمایه اجتماعی

انحراف استاندارد	میانگین	سرمایه اجتماعی
۱۱,۸	۲۸,۳	اعتماد اجتماعی
۹,۸	۲۱,۵	انسجام اجتماعی
۱۰,۴	۲۲,۹	شبکه‌های اجتماعی
۱۹,۸	۶۲,۳	سرمایه اجتماعی

جدول (۴) میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت کنندگان را در هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد. میانگین بعد اعتماد اجتماعی ۲۸,۳ و میانگین بعد انسجام اجتماعی ۲۱,۵ و میانگین بعد شبکه‌های اجتماعی ۲۲,۹ است. میانگین نمره کل سرمایه اجتماعی به ترتیب ۱۹,۸، ۶۲,۳ به دست آمده است.

جدول (۵): میانگین و انحراف استاندارد هر کدام از شرکت کنندگان در مولفه‌های مشارکت انتخابات

انحراف استاندارد	میانگین	مشارکت انتخابات
۱۹,۹	۶۸,۷	مشارکت در شورای شهر و روستا
۱۴,۸	۴۹,۷	مشارکت در ریاست جمهوری
۱۷,۲	۵۴,۱	مشارکت در مجلس شورای اسلامی

جدول (۵) میانگین و انحراف استاندارد نمرات شرکت کنندگان را در هر یک از ابعاد مشارکت انتخابات را نشان می‌دهد. میانگین مشارکت انتخابات ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شوراهای شهر به ترتیب ۴۹,۷-۵۴,۱ و ۶۸,۷ به دست آمده است.

جدول (۶): همبستگی ابعاد سرمایه اجتماعی به ابعاد مشارکت انتخابات

متغیرها	انتخابات مجلس	انتخابات ریاست جمهوری	انتخابات شورای شهر
اعتماد اجتماعی	۰/۶۸	۰/۳۹	۰/۶۹
انسجام اجتماعی	۰/۵۰,۸	۰/۴۰	۰/۵۴
شبکه‌های اجتماعی	۰/۵۴	۰/۴۳	۰/۴۹
سرمایه اجتماعی (کل)	۰/۶۵	۰/۳۵	۰/۶۷

جدول (۶) همبستگی ساده (پیرسون) هر یک از سرمایه اجتماعی را با مشارکت انتخابات را نشان می‌دهد.

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———
همانگونه که مشاهده می شود تمام همبستگی ها در سطح ($P < 0/01$) معنی دار است.
بالاترین میزان همبستگی مربوط به رابطه مشارکت انتخابات شورای شهر با اعتماد اجتماعی و
کمترین میزان مربوط به رابطه اعتماد اجتماعی به با مشارکت انتخابات ریاست جمهوری است
برای بررسی رابطه چندگانه سرمایه اجتماعی با هر یک از ابعاد مشارکت انتخابات از تحلیل
رگرسیون چندگانه استفاده شد. جدول (۷) نتایج مدل رگرسیونی را به ازای رابطه سرمایه
اجتماعی و ابعاد آن شامل اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و شبکه های اجتماعی با هر یک از
ابعاد مشارکت انتخابات را نشان می دهد.

جدول (۷): نتایج مدل رگرسیون به ازای رابطه سرمایه اجتماعی با مشارکت

انتخابات

متغیر پیش بین	متغیر ملاک	R	R ^۲	خطای استاندارد برآورد	F	سطح معنی داری
اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و شبکه های اجتماعی	انتخابات مجلس	۰/۴ ۸۴	۰/۷۳ ۶	۰/۵۹۸	۲ ۶۶/۰	۰/۰۰۱
اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، شبکه های اجتماعی	انتخابات ریاست جمهوری	۰/۱ ۴۹	۰/۸ ۲	۰/۳۰	۵ ۱،۳۵	۰/۰۰۱
اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و شبکه های اجتماعی	انتخابات شورا شهر	۰/۹ ۸۷	۰/۱۴ ۷	۰/۶۱۴	۷ ۶۹/	۰/۰۰۱
سرمایه اجتماعی	مشارکت انتخابات	۰/۱ ۷۴	۰/۷ ۴	۰/۴۰	۶ ۸،۶	۰/۰۰۱

همان گونه که جدول (۷) نشان می دهد ابعاد سرمایه اجتماعی پیش بینی کننده خوبی برای
مؤلفه های مشارکت انتخابات هستند. مقدار همبستگی چندگانه (R) اعتماد اجتماعی، انسجام
اجتماعی و شبکه های اجتماعی با انتخابات مجلس ۰/۸۴۴ است و ضریب تعیین ۶۷۳ درصد
نشان دهنده مقدار قابل تبیین واریانس های انتخابات مجلس از روی اعتماد اجتماعی، انسجام
اجتماعی و شبکه های اجتماعی است. مقدار همبستگی چندگانه (R) اعتماد اجتماعی، انسجام
اجتماعی، شبکه های اجتماعی با انتخابات ریاست جمهوری ۰/۴۹ است و ضریب تعیین ۲۸
درصد نشان دهنده مقدار قابل تبیین واریانس های مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری از روی
اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و شبکه های اجتماعی است. هر چند میزان آن نسبت به
انتخابات شورای شهر و مجلس شورای اسلامی به مراتب کمتر است.

مقدار همبستگی چندگانه (R) اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، شبکه های اجتماعی با
انتخابات شورای شهر ۰/۸۷۹ است و ضریب تعیین ۷۱۴ درصد نشان دهنده مقدار قابل تبیین

واریانس‌های مشارکت در شورای شهر از روی اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، و شبکه‌های اجتماعی است

مقدار همبستگی چندگانه (R) اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی با مشارکت انتخابات ۰/۷۴ است و ضریب تعیین ۴۷ درصد نشان‌دهنده مقدار قابل تبیین واریانس‌های نمره کل مشارکت انتخابات از روی اعتماد اجتماعی، انسجام اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی (سرمایه اجتماعی) است. سطح معنی‌داری به دست آمده برای مقادیر F نشان می‌دهد تمام ضرایب در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنی‌دار است.

بحث

در ایران به هر میزانی که از مرکز فاصله گرفته و به سمت حاشیه حرکت کنیم، همچنان رسوخ و نفوذ سیاسی، اقتصادی قبایل و تفکرات سنتی را می‌بینیم. هر چند پس از ده‌ها سال شهرهای بزرگی در این مناطق به وجود آمده ولی همچنان رسوبات تفکرات قبیل‌های را در زندگی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و... مردم شاهدیم. به عنوان مثال در استان ایلام، با وجود آنکه شاخه‌های احزاب و گروه‌های متعدد سیاسی فعالیت دارند، ولی با این وجود همچنان عامل تعیین‌کننده نگاه‌های قبیل‌های است که به ویژه در ایام انتخابات نقش قبایل و ایلات، ریش سفیدان و کدخداهای سابق و... را به عینه شاهدیم. آمارها نشان می‌دهد که مردم به اعضای خانواده، دوستان و اقوام خود بیشتر از ساختارهای رسمی اعتماد دارند. طبق آمارهای که در طرح ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال ۱۳۸۰ به دست آمده ۸۸/۴ درصد مردم به اعضای خانواده خود بسیار اعتماد دارند، این رقم در مورد اقوام ۴۹ درصد و در مورد دوستان نیز ۴۹٪ بوده است (منوچهر محسنی، ۱۳۷۹) از نظر گیدنز ارتباط ناب منوط به اعتماد متقابل است و اعتماد متقابل نیز به نوبه خود رابطه نزدیکی باصمیمیت دارد. به عقیده ایشان، در فرهنگ‌های سنتی سه زمینه محلی در رابطه با اعتماد غالب است. الف) سیستم خویشاوندی (ب) اجتماع محلی (ج) سنت. از نگاه او منابع اصلی اعتماد در جوامع سنتی اهمیت خود را در جوامع صنعتی از دست داده‌اند. در این قبیل جوامع، ارتباطات خویشاوندی عملاً محدود به چند نفر خویشاوند نزدیک شده و بیشتر مردم آگاهی اندکی از خویشاوندان دورتر دارند. گیدنز در پاسخ این سؤال که چه منبع یا منایعی در جوامع مدرن جانشین نظام‌های خویشاوندی، اجتماع محلی، سنت و کیهان‌شناسی مذهبی شده است، به نظام‌های انتزاعی اشاره می‌کند (اعتماد به علائم، نشانه‌ها و مارک‌ها) (امیر کافی، ۱۳۷۴: ۱۱-۱۲).

نتایج یافته‌ها در خصوص (نقش اعتماد اجتماعی بر مشارکت انتخاباتی) با استفاده از ضریب

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———
همبستگی «تاو بی کندال» و نیز ضریب همبستگی «پیرسون» نشان می‌دهد که بین اعتماد
اجتماعی و مشارکت انتخاباتی رابطه معناداری وجود دارد.

در استان ایلام چندین قبیله بزرگ وجود دارد که از گذشته تاکنون تکیه گاه بسیاری از افراد
آن ایل و قبیله بوده‌اند، بطوریکه تعصبات ایلی باعث شده تا در غم‌ها و شادی‌ها در کنار همدیگر
قرار بگیرند و بویژه در موقع نیاز یار و یاور هم باشند و همدیگر را تنها نگذارند تا جائی که اگر
برای یکی از افراد قبیله مشکلی پیش آید، همه به حمایت از او برمی‌خیزند. از طرف دیگر
جمعیت کم شهرها و روستاهای استان باعث شده تا میزان ارتباطات بویژه ارتباطات چهره به
چهره میان مردم در حد نسبتاً بالایی در قیاس با کلان شهرها باشد و همین هم باعث شده تا در
میان مردم نوعی اعتماد سنتی شکل بگیرد. بدیهی است در چارچوب یک ایل، آنچه ایجاد تعهد،
مسئولیت و حتی وظیفه می‌کند و کنش‌های جمعی را شکل می‌دهد، رابطه خویشاوندی است.
ایلام از جمله استان‌هایی بوده که در سه دهه اخیر از مشارکت انتخاباتی بالائی برخوردار بوده
است و یافته‌های تحقیق هم سطح معنی‌داری میان اعتماد اجتماعی و مشارکت انتخاباتی را به
خوبی نشان می‌دهد.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد بین متغیر اعتماد اجتماعی و مشارکت انتخاباتی با توجه به
ضرایب همبستگی به دست آمده (۶۸٪) و سطح معناداری محاسبه شده ($\text{Sig} < 0.000$)، رابطه
معنادار، مثبت و مستقیمی وجود دارد یعنی اینکه هر چه سطح اعتماد اجتماعی بالاتر باشد، میزان
مشارکت انتخاباتی بالاتر خواهد بود.

نتایج حاصل از جدول (۷) تاکید بیشتری بر مثبت و معنا دار بودن نقش متغیر اعتماد
اجتماعی بر مشارکت انتخاباتی است. آزمون F معناداری رابطه آماری بدست آمده را بیشتر تایید
می‌نماید. بنابراین باید گفت اعتماد اجتماعی نقش موثری بر مشارکت انتخاباتی شهروندان
ایلامی داشته است. اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی مورد تاکید
بسیاری از صاحب‌نظران (فوکویاما، پاتنام، گیدنز، اینگلهارت، هانتینگتون و...) بوده است.

یافته‌های تحقیق گویای کم رغبتی، عدم تمایل، عدم عضویت و یا شرکت در نهادهای
مدنی بوده است. همانطوریکه گفته شد بیشترین ارتباطات درون قومی و درون گروهی را در
استان شاهد هستیم که چنین ارتباطی در مواقعی مثل انتخابات که احساسات و عواطف مردم
بیشتر تحریک شده و تعصبات قومی، قبیله‌ای پررنگتر می‌گردد، باعث شده تا اکثریت مطلق
مردم برای حمایت از کاندیدای قومی، قبیله‌ای‌شان حضور موثرتری در آن داشته باشند و به
همین خاطر اکثریت پاسخگویان، رقابت‌های قومی و قبیله‌ای را یکی از عوامل موثر در مشارکت
حداکثری مردم داشته‌اند. بنظر می‌رسد جامعه ایلام شباهت‌های زیادی با جامعه فولک مورد نظر
رد فیلد و روابط اجتماعی حاکم بر گمیشافت مورد نظر تونیس دارد چرا که ارتباطات نزدیک و

صمیمانه در میان اعضا، ویژگی جامعه فولک مورد نظر رد فیلد است. اعضای جامعه فولک نسبت به یکدیگر احساس تعلق قوی دارند و با داشتن ارتباطات نزدیک با یکدیگر هر کدام توجیه قوی‌ای برای هواداری از دیگران دارند. از طرف دیگر وضعیت حاکم بر استان با تئوری وربا-دنی و کیم که نوع محیط و اندازه آن را در مشارکت انتخابات لحاظ می‌کنند، سنخیت دارد. براساس مطالعات آنان، میزان مشارکت انتخابات در امور محلی و منطقه‌ای و در شهرهای کوچکتر بیشتر از شهرهای بزرگ و کلان شهرهاست چرا که در چنین مناطقی مردم از دیرباز با یکدیگر آشنایی داشته و پیوندها قوی‌تر است و لذا میزان مشارکت انتخابات بیشتر است. برخلاف وضعیت اجتماعی حاکم بر مناطق کوچکتر، در مراکز بزرگتر شهری مثل تهران و... اغلب افراد شناختی شخصی و فردی از یکدیگر ندارند و بسیج افراد ناشناس همواره کار دشوار و پرهزینه‌ای است.

همانگونه که در جدول (۶) دیده می‌شود بین متغیر مستقل شبکه‌های اجتماعی به عنوان یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی و مشارکت انتخابات ارتباط مستقیم و مثبتی وجود دارد بنابراین با توجه به ضرایب همبستگی حاصل شده (۵۴۵٪) و سطح معناداری بدست آمده (۰۰۱٪) باید گفت که شبکه‌های روابط اجتماعی نقش موثری بر مشارکت انتخابات شهروندان ایلامی داشته است، فی الواقع به هر میزان که چنین شبکه‌های اجتماعی، نزدیک‌تر، افقی‌تر و غیر رسمی‌تر بوده، مشارکت شهروندان در انتخابات نیز افزایش یافته است.

نتایج حاصل شده در جدول (۷) گویای تاکید بیشتر بر رابطه میان دو متغیر شبکه‌های اجتماعی و مشارکت انتخابات شهروندان است. آزمون F معناداری رابطه آماری بدست آمده را تاکید می‌نماید. نسبت F گویای آن است که رگرسیون متغیر شبکه‌های اجتماعی بر مشارکت انتخابات به لحاظ آماری معنا دار است. به هر میزان که شبکه‌های اجتماعی بیشتر باشند، میزان همکاری و احساس مشارکت بیشتر بوده است. بنابراین نتایج تحقیق موید نظریات صاحب نظران در این رابطه است. این مطلب در راستای تئوری دانشمندی همچون کلمن - پاتنام - تونیس - رد فیلد - وربا - دنی و کیم و... می‌باشد. صاحب نظران فوق بر این مساله تاکید دارند که نوع محیط و حتی اندازه آن بر مشارکت مردم موثر خواهد بود. فی الواقع از دیدگاه کسانی همچون وربا - دنی و کیم در مناطقی کوچک که مردم از دیر باز با یکدیگر آشنا و پیوندها قوی‌تر و غیررسمی‌تر است، میزان مشارکت هم بیشتر می‌باشد.

همانگونه که اطلاعات جدول (۶) نشان می‌دهد، رابطه مثبت و معناداری میان دو متغیر همبستگی و انسجام اجتماعی و مشارکت انتخابات شهروندان وجود دارد. فی الواقع و با توجه به ضریب همبستگی (۵۰٪) و سطح معناداری (Sig/۰۰۰) بدست آمده، باید گفت که انسجام اجتماعی به عنوان متغیر مستقل و یکی از مولفه‌های تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی نقش

◊ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———
زیادی در مشارکت اجتماعی و دخالت شهروندان در سرنوشت سیاسی خود در جامعه خواهد داشت.

جدول شماره (۷) رگرسیون رابطه میان انسجام اجتماعی (متغیر مستقل) و مشارکت اجتماعی (متغیر وابسته) را نشان می‌دهد. اطلاعات موجود در جدول حاکی از آن است که رابطه میان دو متغیر به لحاظ آماری معنادار است. آزمون F معنا داری رابطه آماری بدست آمده را تأکید می‌نماید. همانگونه که در صفحات قبل هم گفته شد و اطلاعات جدول بالا هم نشان می‌دهد، در استان ایلام بالاخص همبستگی درون گروهی و درون قومی بالاست و لذا نتایج بدست آمده در خصوص رابطه دو متغیر فوق با تئوری همبستگی دورکیم (تقسیم کار اجتماعی) فردیناندو تونیس (اجتماع - جامعه) پارسونز (جوامع سنتی - مدرن) و ... همخوانی دارد، فی الواقع همبستگی و تعصبات قومی بالای موجود در استان بر مسائل اجتماعی و سیاسی تاثیر مستقیم و بسزایی دارد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

سرمایه اجتماعی یک پدیده جمعی و یک کلیت متمایز از اجزاء است و منابع سرمایه اجتماعی مانند اعتماد - هنجارها و شبکه‌های روابط اجتماعی معمولاً خود تقویت کننده و خود افزاینده هستند که این مسئله می‌تواند به تعادل اجتماعی همراه با سطح بالایی از همکاری، اعتماد، معامله متقابل، مشارکت انتخابات و رفاه جمعی منجر شود. که براساس برخی تحقیقات بعمل آمده، سطح سرمایه اجتماعی در کشور، سیر نزولی داشته است، ولی در برخی استان‌ها مثل ایلام از وضعیت بهتری برخوردار می‌باشد. یافته‌ای این تحقیق ضمن تأیید این موضوع، به این نتیجه رسیده که سرمایه اجتماعی در استان، بیشتر از نوع درون گروهی یا قدیم است. نتایج تحقیق گویای آن است که سرمایه اجتماعی در بعد روابط انجمنی نظیر همکاری با نهادهای مدنی ضعیف‌تر و در بعد پیوندهای بین فردی مثل رفت و آمد با یکدیگر قوی‌تر است. رقابت‌های قومی - قبیله‌ای نقش زیادی در میزان مشارکت انتخاباتی در ۳۰ سال گذشته داشته است. از طرفی بین اعتماد اجتماعی و میزان مشارکت انتخاباتی رابطه معناداری وجود دارد - هر چند منابع اعتماد در استان بیشتر منابع سنتی بوده است. نظام‌های خویشاوندی و شبکه‌های ارتباطی از نوع محدود و درون گروهی، الگوی رفتاری بسیاری از مردم استان را تعیین می‌کنند، اعتماد به غریبه‌ها و نظام‌های انتزاعی که در جوامع مدرن به وجود می‌آیند، در جامعه سنتی ایلام نهادینه نشده است و لذا می‌توان گفت رفتار جمعی مردم بیشتر با تاسی به شیوه‌های سنتی و مرسوم پیشین انجام می‌شود از جانب دیگر یافته‌های تحقیق بیانگر همبستگی نسبتاً بالای میان مردم در استان است، ولی این همبستگی بیشتر از نوع سنتی است، ولی با این وجود،

همبستگی فوق، نقش زیادی در کنش‌ها و رفتارهای جمعی شهروندان ایلامی داشته است. با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی در جامعه باید در جستجوی راه‌هایی بود که موجبات افزایش آن را فراهم نماید، نتایج برخی تحقیقات به عمل آمده در کشور، گویای نزول سطح سرمایه اجتماعی است، هر چند که میزان آن بین مناطق مختلف کشور متفاوت است، ولی با این حال رو به سستی و نقصان گذاشته است (ترکمانی، علی، ۱۳۸۵، ۱۶۹). علیرغم اینکه نتایج این تحقیق نشان‌دهنده سطح نسبتاً بالایی از سرمایه اجتماعی در ایلام می‌باشد. ولی باید گفت این سرمایه اجتماعی بیشتر از نوع درون قومی و درون گروهی است و سرمایه اجتماعی بین گروهی در سطح نازلی است. اعتماد، میزان روابط و همبستگی موجود نیز درون گروهی است و به هر میزان که از اعضای خانواده و نزدیکان و... فاصله بگیریم، از میزان آن کاسته خواهد شد.

براساس یافته‌های تحقیق اختلاف معنادار تاثیر ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی به مشارکت انتخابات (ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی و شورای شهر) نشان داد که با توجه به بافت استان میزان اعتماد جهت مشارکت در انتخابات به هر میزان ارتباط بیشتر باشد مشارکت نیز بیشتر خواهد بود و تاثیر آن انتخابات مشخص شده است لذا شهروندان اعتماد بیشتری به کاندیداهای شهر خود برای مشارکت در انتخابات دارند و به هر میزان این شناخت و اعتماد کمتر شود میزان مشارکت نیز کمتر شده است بطوری که میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری از نظر پاسخگویان به مراتب کمتر از انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای شهر و روستا می‌باشد.

فی الواقع نتایج تحقیق بیانگر آن است که به هر میزان بر سرمایه اجتماعی اجتماع افزوده شود به همان میزان بر مشارکت مردم افزوده خواهد شد. و لذا برای افزایش سرمایه اجتماعی و همین طور مشارکت انتخابات در جامعه نمونه با توجه به چارچوب تئوریکی تحقیق، این پیشنهادات را می‌توان ارائه کرد:

۱- یکی از عوامل موثر در کاهش سرمایه اجتماعی، شکاف میان دولت و ملت است و لذا به هر میزان که از شکاف فوق کاسته شود، بر میزان اعتماد مردم به دولت افزوده شده و باعث حمایت و مشارکت آنان می‌شود.

۲- پیشنهاد می‌شود دولت‌ها باید وظایفی را که نهادهای کوچکتر و کمتر متمرکز می‌توانند اجرا کنند به جامعه مدنی بسپارد، همچنین سیاست‌های دولت باید از طریق ارزش‌های فرهنگی جدید با اشکال مختلف جامعه‌پذیری بیشتر، رفتار و انگیزه‌های مردم را دگرگون سازد. لازمه تغییر رفتار و انگیزه‌های مردم نیز به وجود آمدن احزاب و انجمن‌های گوناگون در جامعه می‌باشد. به همین خاطر دولت باید برای تقویت سرمایه اجتماعی بین گروهی در جامعه زمینه مشارکت فعال مردم در انجمن‌های داوطلبانه را فراهم سازد و از این طریق باعث تعاملات

◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———
گسترده مردم با یکدیگر گردد که آن نیز اعتماد تعمیم یافته را به وجود آورده و مشارکت سیاسی را بیشتر خواهد کرد.

۳- تفاوت اعتماد به نزدیکان و سایر افراد جامعه نشان می‌دهد که تعاملات اظهاری بیشتر به گروه‌های اولیه محدود شده و به متن جامعه گسترش نیافته است که این امر خلا میان دو حوزه مذکور را موجب شده است. ضرورت همکاری و همبستگی میان شهروندان در سطح ملی و همین طور استان (پرهیز از قبیله‌گرایی) برای رسیدن به توسعه و پیشرفت، نیاز به گروه‌های واسط یا تشکل‌های مدنی (احزاب، اصناف، اتحادیه‌ها، انجمن‌های داوطلبانه و...) را ایجاب می‌کند. چنانچه این امر صورت گیرد افراد در جامعه همان احساسی را خواهند داشت که در خانواده دارند، در نتیجه ترس‌ها و نگرانی‌ها کاهش پیدا می‌کند و افراد در کنار سایر شهروندان احساس امنیت خواهند کرد. احساس مسئولیت و تعهد در ابعاد مختلف تقویت می‌شود و.. کلیه عوامل یاد شده می‌تواند اعتماد اجتماعی را تقویت و به تبع آن انگیزه برای مشارکت در سرنوشت خویش را افزایش دهد.

۴- نظام بخشی به فعالیت‌های اقتصادی و قانونمندتر ساختن آن‌ها و دوری از قبیله‌گرایی و عدم اعطای امتیازات به آن‌ها، می‌تواند تاثیر مثبت و مفیدی بر افزایش تعاملات و در نتیجه گسترش بیشتر سرمایه اجتماعی بین گروهی در جامعه مورد مطالعه داشته باشد. و به تبع آن مشارکت بر انتخابات نیز بیشتر خواهد شد.

منابع

الف: منابع فارسی

- ازکیا، محمدجواد، سیداحمد، فیروزآبادی (۱۳۸۴)، **بررسی سرمایه اجتماعی و عوامل مؤثر بر شکل‌گیری آن در شهر تهران**، جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۴.
- ایوبی، حجت‌الله (۱۳۷۷)، **مشارکت انتخاباتی (علل و انگیزه‌ها)**، نشر سفیر، تهران.
- آرون، ریمون (۱۳۷۰)، **مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی**، ترجمه باقر پرهام، تهران، انتشارات آموزشی انقلاب اسلامی، تهران، چاپ دوم.
- بشیریه، حسین (۱۳۸۴)، **انقلاب و بسیج سیاسی**، ناشر: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۰)، **نظریه کنش، دلایل علمی و انتخاب عقلانی**، ترجمه، مرتضی، مردی‌ها، تهران، انتشارات نقش و نگار
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰)، **دموکراسی و سنت‌های مدنی**، مترجم: محمدتقی، دلفروز، انتشارات روزنامه سلام، تهران، چاپ اول.
- پیران، پرویز، میرطاهر، موسوی، شیانی، ملیحه (۱۳۸۵)، **کار پایه مفهومی و مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی (با تأکید بر شرایط ایران)**، فصلنامه علمی، پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، **سرمایه اجتماعی اعتماد، دموکراسی و توسعه**، مترجمین: افشین، خاکباز، حسن، پویان، شیرازه، تهران، چاپ اول.
- دهقان، علیرضا، غلامرضا، غفاری (۱۳۸۴)، **تبیین مشارکت اجتماعی، فرهنگی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهر تهران**، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱.
- روشنفکر، پیام، محمدسعید، ذکایی (۱۳۸۵)، **جوانان، سرمایه اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه**، فصلنامه علمی، پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳.
- سربق‌القلم، محمود (۱۳۸۷)، **فرهنگ سیاسی ایران**، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، تهران، چاپ دوم.
- سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۹)، **مدرنیته و نظریه‌های جدید علم سیاست**، نشر دادگستر، تهران، چاپ اول.
- عبداللهی، محمد، میرطاهر، موسوی (۱۳۸۶)، **سرمایه اجتماعی در ایران، وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار**، فصلنامه علمی، پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره

- ◇ فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال چهاردهم، شماره چهل و نهم، زمستان ۱۳۹۸ ———
- ۲۵.
- فوکویا، فرانسیس (۱۳۸۵)، **پایان نظم (سرمایه اجتماعی و حفظ آن)**، مترجم: غلامعلی، توسلی، ناشر: حکایت قلم نوین، تهران، چاپ دوم.
- فیلد، جان (۱۳۸۶)، **سرمایه اجتماعی**، مترجم: غلامرضا، غفاری، حسین، رضائی، کویر، تهران، چاپ اول.
- قاسمی، وحید، اسماعیلی، رضا، ربیعی، کامران (۱۳۸۵)، **سطح بندی سرمایه اجتماعی در شهرستان های استان اصفهان**، فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه، سال ششم، شماره ۲۳.
- قانع راد، محمد امین، حسینی، فریده (۱۳۸۴)، **ارزش ها، شبکه روابط و مشارکت در سازمان های غیر دولتی (مطالعه تجربی در بین جوانان تهران)**، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۳.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، **بنیادهای نظریه اجتماعی**، ترجمه منوچهر، صبوری، نشر نی، تهران، چاپ اول.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۵)، **بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی**، بررسی رابطه میان بیگانگی و مشارکت اجتماعی، سیاسی، نامه پژوهش، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، مرکز پژوهش های بنیادی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شماره ۱.

ب: منابع لاتین

- Bourdieu. P (۱۹۸۶), The FormOf Capital in J.GRichardson(ed) :Handbook For Theory and Research For The Socio Logy Of Education.
- Coleman.J.(۱۹۸۸), Social Capital in the Creationof human capital .American journal of Sociolog .۹۴ (۵,۵-۱۲۰).
- Fu kuyama francis.(۱۹۹۵), Trust: The Social Virtues and the Creation of Pros perity .Pen guin .Lonon
- Porters .A.(۱۹۹۸), Social capital :Its Origins and Applicato iins in Modren SocioLogy. Annual Review Of Sociology .۲۴ (۱).
- Putnam. R (۲۰۰۰), Bowling Alon :the Collapse and Re vival of American Community sim on and Schuster .New York.